

پرونده بررسی فیلم تگزاس ۳

معادله‌ای حل نشده بین منتقدان و سینماگران!

تگزاس ۳، فیلمی در ژانر کمدی اکشن به کارگردانی سیدمسعود اطیابی، تهیه‌کنندگی سیدابراهیم عامریان و نویسندگی حمزه صالحی محصول سال ۱۴۰۲ است. این فیلم که دنباله تگزاس ۱ و تگزاس ۲ است، در ۸ خرداد ماه سال جاری در ۶۶۹ سالن در سینماهای ایران اکران شده و تا لحظه تنظیم پرونده بررسی این فیلم توانسته با ۵۸۵۱۵ سانس و تعداد ۳۴۸۲۶۹۷ بلیت به فروشی حدود ۱۹۵۹۴۹۸۴۵۴۰۰۰ ریال برسد و با اختلاف حدود ۲۹ میلیارد تومان از تمساح خونی که از اسفند ماه سال گذشته در جدول اکران نوروزی روی پرده سینماها رفته بود پیشی گرفته و در صدر جدول فروش قرار بگیرد. آن طور که از آمارها مشخص است این فیلم در گیشه موفق عمل کرده و توانسته است مخاطبان را به سالن‌های سینما بیاورد اما نظرات منتقدان درباره این فیلم نشان می‌دهد که معادله بین منتقدان سینما و سینماگران همچنان لاینحل مانده است. خبرنگار صبا در این شماره به سراغ منتقدان سینما رفته تا جوایب نظرات این قشر سینمایی نویسی که به صورت تخصصی فیلم‌ها و کلا سینمای ایران را رصد می‌کنند، شود. ندهایی که در پی می‌خوانید صرفاً نظر منتقدان سینمایی است و روزنامه صبا آمادگی دارد تا صحبت‌های عوامل این فیلم را نیز با مخاطبانش به اشتراک بگذارد.

بهناز وفايي وحدت
گفت و گو



بیش نمود ز بادی دارد و فیلم در بسیاری لحظه‌ها، در اجرا، به سطح تاثیرهای طنز نازل سقوط می‌کند. مثلاً موقعیت‌هایی که افسر پلیس ناشی با فرمانده خود خلق می‌کند یا برخی لحظه‌های مکالمه بین فرمانده پلیس با شخصیت‌های اصلی از لحاظ اجرا گاه بسیار کودکانه است. یا ورود گنگسترهای حرفه‌ای برای ترور دیپلمات برزیلی بسیار خام‌دستانه درآمده و نشان از آن دارد که کارگردان سطح کار را خیلی تنزل داده و شوخ‌وار برگزار کرده است.

در قالب همین توصیف ساختاری می‌توان دید که تگزاس به لحاظ ساده سازی برون رفت از تنگناهای معیشتی همراه با زحمت کم و خروج از وضعیت‌های دشوار بدون تهور جدی و ساده سازی تصویر نیل به شادکامی و موفقیت، توانسته است رو با فروشی مقبولی، به لحاظ مخاطبان، تمهید کند. به نظر می‌رسد تگزاس در بعد خلق تعلیق و انتظار برای به سرانجام رسیدن قصه شخصیت‌های خود نیز موفق عمل کرده و مخاطب عام همچنان مشتاق است تا سرانجام داستان این شخصیت‌ها را در قسمت‌هایی دیگر پی بگیرد.

سیدحسام فروزان، منتقد سینما:

حد نهایت کم فروشی!

اولین کمدی مسعود اطیابی «خروس جنگی» بود که در سال ۱۳۸۸ نمایش داده شد و چندان موفق نبود. اما «تگزاس» همان پروژه‌ای شد که مسعود اطیابی را از فیلمسازی که فیلم‌های اجتماعی و اعتقادی می‌ساخت به کمدی ساز «فروش» تبدیل کرد. با موفقیت تگزاس در سال ۱۳۹۶ گویی اطیابی رگ خواب عامه تماشاگران را

از فرادستان اجتماعی، در اینجا جمع مهمانان دیپلمات برزیلی، که در قالب یک مهمانی در هتلی مجلل جمع شده‌اند و در نهایت دختری زیبا و جذاب، در این فیلم شخصیت آلیس، که شیطنت‌های خاص خود را دارد و در اینجا، تگزاس، کارشناس مواد مخدر است و عنصر زن اغواگر جذاب (femme fatale) در ژانرهای سینمایی را بازنمایی می‌کند.

تگزاس ۳، کشاکش این صنف‌های مختلف را دستمایه خلق موقعیت طنز کرده است، کم و بیش در قسمت‌های پیشین هم نزاع بین همین اصناف جریان داشت، و با تکنیک‌های مختلفی مثل شوخی‌های متعدد و متنوع، موقعیت‌های سخت غیر قابل انتظاری که به طور معجزه‌آسایی با غلبه شخصیت‌های اصلی بر شخصیت‌های شرور خاتمه می‌یابد. مثل شکست دادن تروریست‌های سازمان یافته و حرفه‌ای، نیل به موقعیت‌های اجتماعی بالاتر و کامروایی با کمترین زحمت توسط دسته‌ای از شخصیت‌ها، مثل بابک و پسرش، و نشئه و شادکامی ناخواسته‌ی ناشی از مصرف چیزهای ممنوعه مثل مواد مخدر، خوردن ناخواسته کوکابین و برانگیخته شدن برای حرکات و جدی ناشی از نشنگی مصرف کوکابین، آن هم از سوی شخصیت‌هایی که موقعیت اجتماعی نخبگانی دارند مثلاً استاد دانشگاه‌اند، بخشی از تمهیدات ساختاری است که در تگزاس ۳، برای جذب مخاطب و خلق موقعیت‌های طنز عمل می‌کنند.

تگزاس در استفاده از تمهیدات معمول برای خلق موقعیت‌های طنز، در ژانر سینمای کمدی، توفیق خوبی دارد هر چند در اجرا فاقد توفیق قسمت‌های قبل است و از این لحاظ نتوانسته موفقیت قسمت‌های قبل را تکرار کند. در تگزاس ۳ شلختگی در اجرا کم و

مصطفی مرشدلو، منتقد سینما:

روبا فروشی موفق

مسعود اطیابی در سینمای ایران شاید جزو معدود نمونه‌هایی باشد که آثار پرشماری از او در گیشه و جلب مخاطب، توفیق و از بعد اقتصادی سود دهی خوبی داشته‌اند. فیلم تگزاس یکی از پروژه‌های موفق اوست. سه گانه‌ای که در گیشه توفیق خوبی داشته‌اند و گویا همچنان باید منتظر قسمت‌های دیگری از این مجموعه بود.

هدف نوشته پیش رو توصیف عوامل ساختاری است که در تگزاس ۳ به کار گرفته شده‌اند تا موقعیتی برای خلق طنز ایجاد کنند و مخاطب را با خود همراه سازند.

در بعد شخصیت پردازی، در تگزاس، ما با طیف متنوعی از نمایندگان طبقات مختلف اجتماعی رو به روییم؛ بزهکاران اجتماعی، مانند قاچاق چیان مخدر و تروریست‌های سازمان یافته که در پی ترور یک دیپلمات خارجی هستند؛ نماینده‌ای از قشر فرودست، بابک (مهدی هاشمی)، که تجسم کاملی از ناکامی و شکست در رسیدن به موفقیت‌های مالی و زندگی مرفه بوده و به تلکه کردن بیوه زنان ثروتمند اشتغال دارد و از موقعیت‌های مالی آنان برای رسیدن به موفقیت‌های مادی سوء استفاده می‌کند و پسرش که حالا از طریق قرعه کشی صاحب تمکن مالی شده؛ اصنافی از بدنه حکومتی، در اینجا نیروی انتظامی، که کمی هم غیرقابل انتظار و دست و پا چلفتی‌اند؛ صنفی از طبقات مرفه اجتماعی که واسطه کامروایی و توفیق مالی طبقه فرودست پیش گفته بوده و در بعد هوش اقتصادی کم و بیش پخته‌اند، سوری (ژاله صامتی) و پسرش؛ قشرهای مختلفی